

دستمزدهای کارگری، مرز خط مرگ و نابودی!

موضوع افزایش میزان حداقل دستمزدهای کارگری، امسال نیز بدون کمترین توجهی به خواست کارگران در این زمینه و بدون در نظر گرفتن نرخ تورم واقعی، با اندک افزایشی به روال سال های گذشته به پایان رسید. وزارت کار این بار نیز تشکیل جلسات "شورای عالی کار" به منظور تعیین حداقل دستمزد را عموماً به تعویق انداخت. جهرمی وزیر کار احمدی نژاد، اگرچه بخشی از شوراهای اسلامی و خانه کارگری ها را از جریان تصمیم گیری در این مورد حذف و آشکارا به آنها بی اعتنائی نمود، اما سروته قضیه را به کمک بخش دیگری از آنها هم آورد و در هر حال نتیجه یکسان بود؛ تعیین حداقل دستمزد در زیر خط فقر!

سران شوراهای اسلامی و خانه کارگر به قصد عوام فریبی باز هم پز طرفداری از حقوق کارگران را به خود گرفتند و با طرح این مسئله که در سال گذشته افزایش دستمزدها بر پایه واقعیت ها نبوده و به کارگران "اجحاف" شده است، همچنین با اشاره به "اقدامات یک سویه" وزیر کار و عنوان کردن این موضوع که وزیر کار شخصاً نماینده از طرف کارگران انتخاب و منصوب می کند، به جنگ زرگری باوزارت کار پرداختند. در حالی که این جا و آن جا صحبت از این می شد که خط فقر ۲۵۰ هزار تومان و ۳۰۰ هزار تومان است، پرویز احمدی پنجکی یکی از اوپاشان و یورش برندگان به سندیکای کارگران شرکت واحد که امروز به جای حسن صادقی در مقام رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سرگرم خدمت به جمهوری اسلامی است، چنین گفت که در جلسات شورای عالی کار، تلاش خواهد کرد دستمزد حداقل به نحوی افزایش پیدا کند که مشکلات کارگران به حداقل برسد و کارگران بتوانند زندگی آبرومندانه ای داشته باشند. بلافاصله معلوم شد دستمزد مورد نظر ایشان که کارگران بتوانند با آن زندگی آبرومندانه ای داشته باشند، رقم ۱۷۰ هزار تومان است و بعداً کاشف به عمل آمد که کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی در جلسه شورای عالی کار، رقم ۱۶۳ هزار تومان را پیشنهاد کرده است!

بدین سان سران شوراهای اسلامی و خانه کارگر در همان حال که گله می کردند چرا صحبتی از جلسات شورای عالی کار در میان نیست و سرگرم شکوائیه نویسی به "دیوان عدالت اداری" پیرامون بی قانونی های وزیر کار و بالاخره تهیه طومار و ارسال به "رئیس جمهور محبوب و معظم" بودند، در عین حال در پشت پرده طبق معمول سرگرم بده بستان و زد و بند با دولت و کارفرماها بودند و سرانجام در اجلاس نهم اسفند با رقم ۱۵۰ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد توافق کردند و برای هزار و یکمین بار نشان دادند که این ارگانهای ارتجاعی- ضد کارگری، تا عمق استخوان به طبقه حاکم وابسته اند، دستشان در دست دولت و کارفرماست، کارگزار سرمایه اند و وظیفه ای جز رفع و رجوع تنگناها و مشکلات دولت و کارفرمایان در محیط های کارگری به زیان کارگران ندارند.

دهم اسفند، ابراهیم نظری جلالی معاون وزیر کار، میزان حداقل دستمزد کارگران مشمول قانون کار برای سال ۸۵ را ۱۵۰ هزار تومان اعلام کرد. وی در عین حال چنین اعلام نمود که نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی ۱۳ درصد و افزایش دستمزد، ۹ درصد بیشتر از نرخ اعلام شده است.

اعلام این تصمیم که فوراً با "استقبال" سران خانه کارگر و شوراهای اسلامی روبرو گردید، اعتراض و ناراضی شدید توده کارگران را در پی داشت. به راستی با ۱۵۰ هزار تومان دستمزد ماهانه، یک کارگر چگونه باید مخارج سرسام آور زندگی خود و اعضای خانواده اش را تأمین کند. دولت، کارفرما و عمال این دو شوراهای اسلامی، برچه مبنائی دستمزد کارگران را ۱۵۰ هزار تومان تعیین کرده اند؟ وقتی که خط فقر رقمی حدود ۳۰۰ هزار تومان است (از ۲۵۰ تا ۳۵۰ هزار تومان عنوان شده است) باتعیین دستمزدی نه فقط در زیر خط فقر، بلکه یک دوم خط فقر، آیا کارگر را محکوم به زندگی در مرز خط مرگ نساخته اید؟

برای اثبات ناچیز بودن و مطلقاً ناکافی بودن میزان حداقل دستمزدهای کارگری، نیازی به آمار و ارقام و ارائه تفسیرهای بلند بالا نیست. کفایت از میان دهها دلیل و برهان در این زمینه به چند نقل قول کوتاه اشاره شود.

یک استاد مدیریت دانشگاه و عضو خانه مدیران سازمان گسترش و نوسازی صنایع از این زاویه که افزایش سطح دستمزدها موجب "ارتقای امنیت اجتماعی کشور" است، و با ذکر این که کارگری که ۱۵۰ هزار تومان می گیرد نمی تواند "کارگر موثری" باشد، می گوید: "یک خانواده دو نفری بدون در نظر گرفتن کرایه خانه، باید ماهیانه ۲۴۰ هزار تومان درآمد داشته باشد." (تاکید از ماست)

یک عضو کانون شوراهای اسلامی کار می گوید "مبلغ ۱۵۰ هزار تومان تنها می تواند جوابگوی اجاره ی مسکن آن هم در مناطق پائین شهر باشد. دبیر کل "حزب رفاه اسلامی کارگران" می گوید، حداقل دستمزد با هزینه های زندگی فاصله ۲۰۰ درصدی دارد!

صرف نظر از دیدگاه استاد مدیریت دانشگاه در مورد "امنیت اجتماعی" و "کارگر موثر" و غیره، آیا همین چند نقل قول کوتاه آن هم از زبان افرادی وابسته به دستگاه حاکمه ثابت نمی کند که هیچ گونه، مطلقاً هیچ گونه تعادلی میان میزان حداقل دستمزدهای کارگری و سطح مخارج و هزینه ها وجود ندارد؟! باید توجه داشت که اکثر خانوارهای کارگری بیش از دوففر و عموماً اجاره نشین اند. اگر مخارج یک خانوار ۵ نفره را ۳۰۰ هزار تومان در نظر بگیریم (در مقایسه با رقم ۲۴۰ هزار تومان برای یک خانوار دوففره بدون در نظر گرفتن اجاره مسکن) و بهای اجاره مسکن با دواتاق را ۲۰۰ تا

۱۵۰ هزار تومان فرض کنیم، یک کارگر لااقل بایستی ماهانه ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد داشته باشد که بتواند با آن زندگی خود و خانواده اش را بچرخاند.

معاون وزارت کار رژیم به نرخ تورم ۱۳ درصدی اعلام شده از سوی بانک مرکزی استناد می کند تا تعیین دستمزدها در زیر خط فقر را توجیه کند. ۲۷ سال پس از حاکمیت جمهوری اسلامی امروز چه کسی است که نداند ارقام اعلام شده از سوی بانک مرکزی به کلی غیر واقعی و ساختگی اند. همگان از جمله معاون وزیر کار نیز این را می دانند. گرانی و افزایش سرسام آور قیمت کالاها و خدمات نیز این دروغ را افشاء می کند. کارگران نیز هر ساله و در آستانه تصمیم گیری در مورد افزایش دستمزدها، مکرر با این ترفند ریاکارانه روبرو شده و آن را می شناسند. نرخ واقعی تورم حتماً از دو برابر رقمی که توسط بانک مرکزی اعلام شده است هم بیشتر است. یک عضو کانون عالی کارفرمایی کشور، از رقم اعلام شده به وسیله بانک مرکزی به استهزا یاد می کند و از رشد ۴۰ درصدی گرانی صحبت می کند. بنابراین اگر خط فقر را همان ۳۰۰ هزار تومانی که توسط کمیسیون اقتصادی مجلس ارتجاع تعیین شده است فرض کنیم، این موضوع کاملاً روشن است که اگر قرار باشد کارگران حتماً در همان مرز خط فقر زندگی کنند، باید یک دستمزد ۳۰۰ هزار تومانی با ضافه ۴۰ درصد آن به عنوان تورم، یعنی ماهیانه حداقل ۴۲۰ هزار تومان دریافت کنند که تازه در حد همان خط فقر بتوانند زندگی کنند.

بنابراین اگر با استناد به همین واقعیات هم کسی بخواهد دستمزدها کارگری را تعیین کند، به رقمی در حدود ۴۵۵ هزار تومان می رسد. روشن است که کارگران بامبلغ ۱۵۰ هزار تومان که از یک سوم این رقم هم کمتر است، به هیچوجه نمی توانند حتماً نیازهای اولیه خود را برآورده سازند.

دولت "عدالت" پرور احمدی نژاد به سیاق پیشینیان "عدالت" پیشه ی خود، باردیگر و به صراحت به کارگران گفت تاجمهوری اسلامی هست، عدالت به سبک آن هم هست. در یک سو عده قلیلی سرمایه دار و مرتجعین ثروتمند، انگل هائی که از همه گونه امکانات رفاهی و نعمات زندگی برخوردارند، در سمت دیگر انبوه عظیمی کارگر و زحمتکش که در فقر و محرومیت و گرسنگی به سر می برند و حتماً از تامین نیازهای اولیه زندگی نیز محروم اند. تعیین حداقل دستمزد در زیر خط فقر و محکوم ساختن رسمی کارگران به زندگی در زیر خط فقر و مرز خط مرگ و نابودی، از اجزای لایتنجی "عدالت اسلامی" است. رژیم جمهوری اسلامی که پاسدار منافع سرمایه داران و مرتجعین است، جانبدار و حافظ این گونه از "عدالت" است. این عدالت وارونه باید محو و نابود شود. قبل از آن اما نظام جمهوری اسلامی را باید برافکند و ریشه کن ساخت.